

لاکان به روایت ژیٹک

ترجمہ

فتاح محمدی



منشی ہزاری سوام

زنجان ۱۳۹۵

فهرست

- مقدمه ۵
۱. ژست‌های تهی و اجرائی‌ها:
لاکان با توطئه‌ی سیا مقابله می‌کند ۱۳
۲. سوژه‌ای که دچار انفعال متقابل است:
لاکان چرخ دعا را می‌چرخاند ۳۳
۳. از CHE VUOI? به خیال‌پردازی:
لاکان با چشمان باز بسته ۵۷
۴. دردسرهای امر واقعی:
لاکان در مقام بیننده‌ی فیلم بیگانه ۸۵
۵. آرمان خود و آبر خود:
لاکان در مقام بیننده‌ی فیلم کازابلانکا ۱۰۹
۶. «مرده است، ولی خودش خبر ندارد»:
بویوک فکر لاکان را به خود مشغول داشته است ۱۲۵
۷. سوژه‌ی منحرف سیاست:
لاکان در مقام خواننده‌ی م. بوبری ۱۴۳
- یادداشت‌ها ۱۶۳
- گاه‌شماری ۱۶۷
- پیشنهادهایی برای مطالعه‌ی بیشتر ۱۷۳
- نمایه ۱۷۷

ژست‌های تھی و اجرائی‌ها^(۱):

لاکان با توطئه‌ی سیا مقابله می‌کند

آیا زبان، همراه با قانون، با هدایای دانائوها* شروع می‌شود یا با اسم شبی که بی‌معنایی عبرت‌آمیزشان را به آن هدایا می‌دهد؟ چون این هدایا پیشاپیش نماد هستند، به این تعبیر که نماد به معنی عهد و پیمان است و آن هدایا قبل از هر چیز دال‌های همان عهد و پیمانی هستند که هدایا به‌عنوان مدلول را می‌سازند، و این را به

* "Danaoi" نامی است که هومر روی یونانیانی گذاشت که شهر تروی را محاصره کردند. هدیه همان اسب تروا بود که به یونانی‌ها امکان داد به تروی رخنه کرده ویران‌اش کنند. در دوران باستان، «هدایای یونانی» بدل به اصطلاحی برای لطف و محبت‌هایی شد که ممکن است سودمند به نظر برسند اما چیزی جز ضرر و زیان برای دریافت‌کننده به‌بار نخواهند آورد، برگرفته از سسطری در کتاب ویرژیل: "Timeo Danaos, et dano ferentes" — من از یونانی‌ها می‌ترسم، حتی وقتی که هدیه می‌آورند.

وضوح در این واقعیت می‌توان دید که ابژه‌های مبادله‌ی نمادین — ظرف‌هایی که برای خالی ماندن ساخته شده‌اند، سپر‌هایی سنگین‌تر از آنکه بتوان بلند کرد، بافه‌های پزمرده‌ی گندم، نیزه‌های فرو رفته در خاک — همگی بی‌فایده، اگر نگوئیم زیادی [و دست و پاگیر] به دلیل فراوانی‌شان، خواهند بود.

آیا این خنثاشدگی دال‌کل سرشت زبان را تشکیل می‌دهد؟ بر این اساس، می‌توان شروع آن را در میان، مثلاً، پرستوهای دریائی در حین پرواز دسته‌جمعی برای جفت‌گیری دید، آنجا که ماهی شکارشده را منقار به منقار به یکدیگر پاس می‌دهند. و اگر رفتارشناسان حق داشته باشند که این کار را ابزاری برای فعال‌سازی گروه تلقی کنند، فعال‌سازی‌ای که می‌توان معادل یک فستیوال نامید، در شناسائی آن به‌عنوان یک نماد کاملاً محق و موجه خواهند بود.^(۶)

سوپ‌آپراهای مکزیکی با چنان سرعت سرسام‌آوری فیلم‌برداری می‌شوند (هر روز یک اپیزود ۲۵ دقیقه‌ای) که بازیگران حتی فیلم‌نامه را نمی‌خوانند تا از قبل بدانند چه جمله‌هایی به زبان خواهند آورد؛ گیرنده‌های کوچکی در گوش‌های‌شان می‌گذارند که به آن‌ها می‌گوید چه کار باید بکنند و آن‌ها یاد می‌گیرند که آنچه را می‌شنوند اجرا کنند («حالا بزَن تو گوش‌اش و بگو که ازش متنفری! بعد بغل‌اش کن! ...»). این روال تصویری به دست می‌دهد از آنچه، گویا، لاکان از «دیگری بزرگ» در نظر دارد. سامان نمادین، همان قانون اساسی نانوشت‌های جامعه، طبیعت دوم هر موجود سخنگو است: دیگری بزرگ در اینجاست و اعمال مرا هدایت و کنترل می‌کند؛ همان دریائی است که در آن شنا می‌کنم، با این حال در نهایت همچنان غیرقابل فهم باقی می‌ماند — هرگز نمی‌توانم جلوی خودم بگذارم و در چنگام بگیرم‌اش. گوئی ما، سوژه‌های زبان، مثل عروسک‌ها حرف می‌زنیم و تعامل

می‌کنیم، یک عاملیت^۱ همه جا حاضر بی‌نام و نشان گفتارها و ژست‌ها یا حرکات ما را دیکته می‌کند. آیا این بدان معناست که، از نظر لاکان، ما افراد انسانی چیزی بیش از علائم ثانوی، سایه‌هایی محروم از قدرت واقعی خاص خود، نیستیم، بدان معناست که ادراکی که از خودمان به‌عنوان عاملان آزاد خودائین داریم نوعی توهم خودخواسته است که اجازه نمی‌دهد بینیم ابزارهایی در دستان دیگری بزرگی هستیم که در پس پرده نهان است و رشته‌ها را به دست دارد؟

اما، در این برداشت ساده شده بسیاری از ویژگی‌های دیگری بزرگ مغفول می‌ماند. از نظر لاکان، سه سطح به‌هم تنیده واقعیت انسانی را برمی‌سازند: امر فمادین، امر خیالی، امر واقعی. این سه‌گانه را می‌توان از طریق بازی شطرنج به‌خوبی توضیح داد. قواعدی که باید برای بازی شطرنج رعایت کرد بعد نمادین آن هستند: از دیدگاه نمادین کاملاً صوری یا فرمال، «اسب» تنها به مدد حرکاتی که این فیگور می‌تواند انجام دهد تعریف می‌شود. این سطح تفاوت آشکاری با سطح خیالی دارد، سطحی که از طریق آن مهره‌های مختلف به مدد نامی که به آن‌ها داده شده (شاه، ملکه، اسب) شکل می‌گیرند و تشخیص می‌یابند، و به راحتی می‌توان بازی‌ای را تصور کرد که قواعدش با شطرنج یکسان اما سطح خیالی‌اش متفاوت است، و در آن همین فیگور «قاصد» و «پیک» یا هر چیز دیگر نامیده می‌شود. سرانجام، سطح واقعی همان مجموعه‌ی پیچیده‌ی کاملی از شرایط حادثی است که بر روند بازی تأثیر می‌گذارد: هوش بازیکنان، دخالت‌های پیش‌بینی‌ناپذیری که می‌توانند طرف مقابل را کیش یا مات کنند.

دیگری بزرگ در سطح نمادین عمل می‌کند. اما این سامان نمادین از چه تشکیل شده است؟ وقتی ما حرف می‌زنیم (یا همچنین گوش می‌دهیم)،